

Socio-Political Implications of Surah Al-Kahf in the Light of its Structural Analysis

Ali Asghar Nasiri¹
Mahdi Nasiri²

ABSTRACT

Structural interpretation and discovery of the main purposes of the Holy Qur'an are among the new methods in the field of interpretation of the Holy Qur'an, which have received less attention. This article attempts to make a structural analysis of Surah Al-Kahf and explain its political and social implications based on its central purposes. To achieve this goal, the method of structural interpretation and thematic analysis has been used.

Based on the indicators of discovering the purposes of Surah Al-Kahf, the findings indicate that monotheism and polytheism are the two main topics in this surah, which give order and coherence to the other verses of it. On this basis, non-compliance with the lifestyle of the polytheists, explanation and uprising against the tyrannical polytheist system that denies Resurrection and Judgment Day, and the strategy of emigration from the polytheist society in order to preserve the faith, obtain cultural freedom, and protect the oppressed are among the social and political solutions during the polytheist government in society. Fighting injustice, establishing justice, removing threats, providing security, people's participation, and the efficiency of divine rule are among the socio-political solutions during the monotheist government in society.

KEYWORDS: Surah Al-Kahf, Structural Interpretation, Monotheism, Polytheism, Socio-Political Implications



1- Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Shahrood University of Technology, Shahrood, Iran (corresponding author), a.nasiri@shahroodut.ac.ir

2- Master's Degree, Radio Production, Islamic Republic of Iran Broadcasting, Tehran, Iran, mahdinasiri1404@gmail.com





نوع مقاله: پژوهشی

دلالت‌های سیاسی اجتماعی سوره کف در پرتوی تحلیل ساختاری آن

علی اصغر نصیری^۱، مهدی نصیری^۲

چکیده

تفسیر ساختاری و کشف اغراض اصلی سُور قرآن کریم از جمله روش‌های نوین در عرصه تفسیر قرآن کریم بوده که کمتر مورد توجه واقع شده است. این مقاله درصدد است سوره کف را تحلیلی ساختاری نماید و دلالت‌های سیاسی اجتماعی آن را بر اساس اغراض محوری آن تبیین نماید. برای رسیدن به این هدف از روش تفسیر ساختاری و تحلیل مضمون استفاده شده است. به استناد شاخص‌های کشف اغراض سُور، یافته‌ها حاکی از آن است که توحیدمداری و شرک دو موضوع محوری سوره کف به شمار می‌روند که به دیگر آیات این سوره، نظم و انسجام بخشیده‌اند. بر این اساس، عدم تبعیت از سبک زندگی مشرکان، تبیین و قیام علیه رژیم طاغوتی مشرکان منکر قیامت و معاد، استراتژی هجرت از جامعه مشرک برای حفظ ایمان و کسب آزادی فرهنگی و حمایت از مستضعفان از جمله دلالت‌های سیاسی اجتماعی سوره کف در وضعیت حاکمیت شرک در جامعه محسوب می‌شود. همچنین مبارزه با ظلم و برقراری عدالت و رفع تهدید و تأمین امنیت، مشارکت مردم و کارآمدی حکومت الهی از جمله دلالت‌های سیاسی اجتماعی سوره کف در وضعیت حاکمیت توحید در جامعه است.

واژگان کلیدی: سوره کف، تفسیر ساختاری، توحید، شرک، دلالت‌های سیاسی اجتماعی

۱- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران (نویسنده مسئول)،

a.nasiri@shahroodut.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد تولید سیما، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران، mahdinasiri1404@gmail.com



۱. مقدمه

تفسیر ساختاری از جمله روش‌های تفسیری نوین قرآن کریم به شمار می‌رود که به نسبت دیگر روش‌های تفسیری، کمتر مورد توجه مفسران و قرآن‌پژوهان واقع شده است و به‌طور عمده توسط برخی مفسران متأخر استفاده شده است. در این‌گونه از تفسیر این اعتقاد وجود دارد که هر سوره مبتنی بر غرض و اغراضی نازل شده است به گونه‌ای که آیات دیگر آن سوره مبتنی بر آن غرض یا اغراض تنظیم شده‌اند. در این میان، سوره کهف از معدود سوره قرآن کریم محسوب می‌شود که در آن چهار داستان شگفت‌انگیز ذکر شده است که در ظاهر متفاوت و پراکنده به نظر می‌رسد. بررسی آثار نگاشته شده با استفاده از تفسیر ساختاری نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی که به تحلیل سوره کهف و کشف اغراض و دلالت‌های سیاسی اجتماعی پرداخته باشد، صورت نگرفته است؛ بنابراین مقاله حاضر، پژوهشی نو و جدید محسوب می‌شود. لذا این مقاله قصد دارد از یک سو، با تجزیه و تحلیل سوره کهف، غرض یا اغراض محوری آیات این سوره را کشف نماید و از سوی دیگر، مهم‌ترین دلالت‌های سیاسی اجتماعی این سوره را در ارتباط با آن غرض یا اغراض کشف شده بیان نماید. لذا سؤال اصلی مقاله حاضر عبارت است از اینکه سوره کهف حول محور چه غرض یا اغراضی شکل گرفته است و بر این اساس دلالت‌های سیاسی اجتماعی آن چیست؟ در این مقاله جهت دستیابی به هدف و پاسخ به سؤال مذکور، در کنار کاربست روش تفسیر ساختاری از ابزار تحلیل مضمونی نیز در کشف اغراض محوری سوره کهف استفاده خواهد شد؛ بنابراین در مقاله در ابتدا سوره کهف، به‌اجمال معرفی می‌گردد. سپس در بخش روش‌شناسی، تفسیر ساختاری و روش تحلیل مضمون بیان می‌گردد. سپس در بخش سوم مقاله با توجه به روش‌شناسی، اغراض سوره کهف کشف می‌گردد و در نهایت نیز با توجه به اغراض مستخرج، دلالت‌های سیاسی اجتماعی سوره کهف تبیین می‌گردد.

۲. پیشینه و مفاهیم

مروری بر پیشینه تحقیق: بررسی آثار نگاشته شده در موضوع سوره کهف نشان می‌دهد که این آثار، هر یک از جهت و زاویه‌ای خاص به تبیین ابعاد مختلف این سوره پرداخته‌اند. در ادامه به برخی از آثار مذکور اشاره می‌شود. مقاله «رویکرد ساختارشناسانه به سوره کهف» اثر فتاحی زاده و ذاکری (۱۳۹۵)، به بررسی ساخت صوری سوره کهف در چارچوب داستان‌های آن پرداخته است. مقاله «تحلیل شناختی عنصر حرکت در سوره کهف بر اساس نظریه تالمی» نوشته اسودی و دیگران (۱۴۰۱)،

تحلیلی زبان شناسانه در چارچوب نظریه تالمی با محوریت عنصر حرکت از سوره کهف ارائه کرده است. مقاله «بررسی و تحلیل نقاط اتصال و اشتراک داستان‌های سوره کهف» نوشته ابراهیمی و زیدی جودکی (۱۳۹۷)، نیز علل ادبی تجمع چهار داستان در سوره واحد را بررسی و محورهای اتصال و پیوند آن‌ها را بیان نموده است. مقاله «اصول و روش‌های تربیت اسلامی با تأکید بر سوره کهف» نوشته پورکریمی هاوشکی و نادر بیگدیلو (۱۳۹۲)، نیز باهدف استخراج مبانی، اصول و روش‌های تربیتی، به بررسی سوره کهف پرداخته است. در مجموع می‌توان گفت از آنجا که اولاً هیچ‌یک از آثار مذکور به دنبال کشف غرض یا اغراض اصلی سوره کهف با استفاده از روش تفسیر ساختاری نبوده‌اند و همچنین ثانیاً هیچ‌یک از آثار مذکور در صدد تبیین دلالت‌هایی سیاسی اجتماعی سوره کهف مبتنی بر اغراض اصلی سوره کهف نبوده‌اند، لذا اثر حاضر، پژوهشی نو به شمار می‌آید.

معرفی سوره کهف: سوره کهف، یک صد و ده آیه دارد که همگی در مکه نازل شده است. برخی مفسرین (قمی، ۱۴۰۴ ق، ۲: ۳۴) بر مدنی بودن آیه ۲۸ از این سوره تأکید دارند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۳: ۳۲۶ و ۴۲۳). درباره شأن نزول این سوره ذکر شده است که مشرکان قریش اشخاصی را از مکه به سمت مدینه گسیل داشتند تا ماجرای بعثت حضرت رسول اکرم (ص) نشانه راست گویی ایشان را از اندیشمندان یهود پرسند. علمای یهود پاسخ دادند که در مجموع چهار سؤال درباره اصحاب کهف، داستان حضرت موسی و خضر (ع) ذوالقرنین و زمان برپایی قیامت از حضرت محمد (ص) پرسند؛ اگر سه سؤال اول را جواب داد و سؤال چهارم را بی‌پاسخ گذاشت، او راست گو است (قمی، ۱۴۰۴ ق، ۲: ۳۱). این سوره با حمد و ستایش خداوند آغاز می‌شود و با توحید و ایمان و عمل صالح پایان می‌یابد. محتوای این سوره همچون سایر سوره‌های «مکی» بیشتر بیان مبدأ و معاد و بشارت و انذار است و نیز به مسئله مهمی که مسلمانان در آن روزهای سخت به آن نیاز داشتند اشاره می‌کند و آن اینکه يك اقلیت هرچند کوچک باشد، در برابر يك اکثریت هرچند ظاهراً قوی و نیرومند باشند نباید تسلیم گردد و در فساد محیط حل شود، بلکه همچون گروه کوچک اصحاب کهف باید حساب خودشان را از محیط فاسد جدا کنند و بر ضد آن قیام نمایند. آن روز که توانایی دارند به مبارزه ادامه دهند و در صورت عدم توانایی، هجرت نمایند. همچنین از یکی دیگر از ماجراهای این سوره، داستان دو نفر است که یکی از آن دو ثروتمند و بی‌ایمان و دیگری فقیر و مؤمن است، ولی او هرگز عزت و شرف خود را در برابر آن فرد بی‌ایمان نمی‌بازد و تا آنجا که می‌توانست او را نصیحت و ارشاد کرد و سرانجام اعلام بیزاری نمود و پیروزی

هم با او بود. تا مؤمنان در شرایطی همچون آغاز دعوت پیغمبر (ص) بدانند اگر ثروتمندان بی‌ایمان جنب‌وجوشی دارند موقت است و خاموش شدند همانند فقر و تنگدستی افراد باایمان. بخش دیگری از این سوره به ماجرای موسی و خضر اشاره می‌کند که چگونه موسی (ع) در برابر کارهایی که ظاهر آن زننده بود، اما باطنش پر مصلحت توانست صبر و حوصله داشته باشد، ولی پس از توضیحات استاد خود به عمق مسائل کاملاً آگاه شد. این نیز درسی است برای همه تا به ظواهر حوادث و رویدادها ننگرند و بدانند در زیر این ظواهر باطنی است بسیار عمیق و پرمعنی. در بخش دیگری از این سوره داستان ذوالقرنین بیان می‌شود که چگونه شرق و غرب عالم می‌رود و با اقوام گوناگونی که سنن و آداب بسیار متفاوتی داشتند مواجه می‌گردد و سرانجام با کمک گروهی از مردم به مقابله با توطئه «یاجوج» و «مأجوج» برمی‌خیزد و سدی آهنین در مقابل آن‌ها می‌سازد و نفوذشان را از بین می‌برد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۳۳۷-۳۳۸).

۳. روش و ابزار

در این مقاله از روش تفسیر ساختاری و کاربست ابزار تحلیل مضمونی برای تجزیه و تحلیل سوره کهف و استخراج غرض اصلی یا اغراض محوری آن استفاده خواهد شد.

تحلیل مضمونی: روش تحلیل مضمونی یکی از روش‌های کیفی جدید تجزیه و تحلیل داده‌ها محسوب می‌شود. مفهوم واژه مضمون در زبان فارسی نزدیک به معنای واژه Theme در زبان انگلیسی است. مضمون در زبان فارسی به معنای «موضوع کلام»، «در میان گرفته شده»، «معنی و مقصودی که از یک گفتار یا نوشتار فهمیده می‌شود»، تعریف شده است (انوری و همکاران، ۱۳۸۱، ۷: ۷۰۹۵؛ عمید، ۱۳۷۱، ۲: ۱۸۱۸؛ معین، ۱۳۶۰، ۳: ۴۱۹۲). Theme در زبان انگلیسی به معنای «مبحث، ماده، مایه، موضوع اساسی، زمینه، مضمون اصلی یا درون‌مایه‌ای که در آثار ادبی به‌ویژه در داستان مطرح می‌شود»، تعریف شده است (عمید، ۱۳۷۱، ۱: ۶۱۳؛ معین، ۱۳۶۰، ۱: ۱۱۳۷؛ انوری و همکاران، ۱۳۸۱، ۳: ۱۸۸۵). تحلیل مضمونی، فرایندی است که در تحلیل داده‌های متنی کاربرد دارد و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌نماید.^۱ انواع مختلفی همچون قالب مضامین، شبکه مضامین، ماتریس مضامین برای کاربست روش تحلیل مضمونی وجود دارد. با وجود اینکه هر یک از آن انواع امتیازاتی نسبت به یکدیگر دارند اما در این بین، روش شبکه مضامین نسبت به انواع رقیب، زمینه‌ساز فهم بهتر ارتباطات بین مضامین

برای پژوهشگر است، بر این اساس در این پژوهش از این نوع استفاده می‌شود. در تحلیل مضمونی از نوع شبکه مضامین، حرکت از مضامین آشکار و روشن (مضامین پایه‌ای) به سمت مضامینی که کلی‌تر و انتزاعی‌تر هستند (مضامین سازمان دهنده) آغاز می‌گردد و در آخر به مضامین یا مضمون فراگیر و اصلی متن ختم می‌شود^۱ (ر.ک. شیخزاده و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۱-۱۹۸).

تفسیر ساختاری: پژوهشگران قرآنی و اندیشمندان عرصه تفسیر به‌ویژه مفسران متأخر اعتقاد دارند که در هریک از سوره‌های قرآن کریم، پیام و هدفی جامع وجود دارد که به آیات آن سوره پیوند و انسجام می‌دهد که در واقع به کالبد هر سوره جان و روح می‌بخشد. (خامه گر، ۱۳۸۱: ۲۱۰). به‌عنوان مثال علامه طباطبایی در کتاب المیزان، کشف مقاصد آیات قرآن کریم را در تعریف تفسیر ذکر می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱: ۷)؛ و در سراسر این کتاب نیز با توجه به اهداف و غرض اصلی هر سوره به تفسیر آیات می‌پردازد.

محمد رشید رضا در کتاب «تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)»، سید قطب در کتاب «فی ظلال القرآن الکریم»، عبدالله محمد شحاته در کتاب «درآمدی به تحقیق در اهداف و مقاصد سوره‌های قرآن کریم» از دیگر مفسرانی هستند که در آثار خود به اغراض سوره‌های قرآن کریم توجه داشته‌اند.

به‌بیان دیگر، تفسیر ساختاری بر این پیش‌فرض مبتنی است که مجموع آیات هر سوره، هدفی معین و ویژه‌ای را پیگیری می‌کند. این وحدت هدف و غرض در همه سوره‌های قرآن کریم اعم از سوره‌های کوچک یا متوسط و حتی سوره‌های بزرگ و از جمله سوره بقره نیز وجود دارد. به‌عبارت دیگر، وحدت هدف سوره‌ها بر این ویژگی دلالت دارد که آیه‌های به‌ظاهر پراکنده هر سوره، بر غرضی خاص اشاره دارد به گونه‌ای که نظم و ارتباطی منطقی به سوره می‌دهد. (خامه گر، ۱۳۸۱: ۲۱۱-۲۱۲). مفسران و قرآن‌پژوهان از روش‌های گوناگونی از قبیل سیاق آیات، نام سوره، آیات آغازین و پایانی سوره، شأن نزول سوره، مکی یا مدنی بودن سوره، واژه‌های کلیدی سوره (اسماء حسنی، حروف مقطعه) و قصص قرآنی برای راه‌یابی به اهداف و مقاصد سوره‌های قرآن استفاده کرده‌اند (همان: ۲۳۶-۲۴۸).

۴. تجزیه و تحلیل سوره کهف و استخراج غرض اصلی

در روش تفسیر ساختاری از ابزارهای مختلفی برای کشف غرض یا اغراض اصلی سوره استفاده می‌شود در ادامه با استفاده از آن‌ها غرض یا اغراض اصلی سوره کهف استخراج خواهد شد.

شاخص سیاق سوره: در این قسمت در ابتدا مجموعه آیات سوره کهف به هفت قسمت تقسیم می‌شود با این توضیح که با توجه به این که چهار داستان شگفت‌انگیز در این سوره بیان شده است لذا آیات مربوط به هر داستان (داستان‌های کهف، دو مرد ثروتمند و فقیر، حضرت موسی و خضر، ذوالقرنین) در مجموع چهار دسته از آیات را متشکل می‌شود. آیات ابتدایی این سوره (آیه اول تا هشتم) که در واقع مطلع این سوره به شمار می‌رود، خود به‌عنوان یک دسته محسوب می‌شود. دسته دیگر، آیات میانی (آیه ۴۵ تا ۵۹) این سوره است که توصیف قیامت و معاد است. همچنین آیات انتهایی این سوره (آیه یک‌صد و سوم تا یک‌صد و دهم) نیز خود به‌عنوان دسته‌ای دیگر در این تحلیل بررسی خواهد شد. پس از دسته‌بندی آیات، آیات هر دسته با استفاده از روش تحلیل مضمون بررسی (کدگذاری) می‌شود در ابتدا مضامین پایه‌ای و سپس مضامین سازمان دهنده هر دسته استخراج می‌شود و در نهایت نیز مضامین سازمان دهنده هر دسته با دسته‌های دیگر مقایسه و مضامین مشابه در یکدیگر ادغام می‌گردد و در آخر نیز بدین طریق، مضامین فراگیر سوره استخراج می‌گردد. در جدول زیر مضامین پایه‌ای، سازمان دهنده و فراگیر سوره کهف استخراج شده است.

جدول شماره ۱ مضامین سوره کهف (مطلع سوره)

ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده
مطلع سوره		
۱	عدم انحراف و استواری قرآن نازل شده به پیامبر	۱. نتیجه شرک عذاب اخروی است. ۲. نتیجه ایمان و عمل صالح پاداش نیکوی ابدی است. ۳. زینت‌های ناپایدار دنیا وسیله امتحان بشر است.
۲	انذار از عذاب و بشارت به پاداش نیکو برای مؤمنان صالح هدف از انزال قرآن	
۳	ابدی بودن پاداش	
۴	انذار به قاتلان فرزند دار بودن خداوند	
۵	جهالت و دروغ‌گویی قاتلان...	
۶	نهایت دلسوزی پیامبر در تبلیغ قرآن	
۷	زینت‌های دنیا وسیله امتحان	
۸	ناپایداری زینت‌های دنیا	

جدول شماره ۲ مضامین سورة كهف (داستان اصحاب كهف)

ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده
داستان اصحاب كهف		
۹	چندان شگفت‌انگیز نبودن داستان اصحاب كهف	۱. خوابیدن و بیدار شدن اصحاب كهف نشانه وقوع قیامت است.
۱۰	پناه بردن جوانمردان به غار به امید رسیدن به رحمت و رشد الهی	۲. مبارزه با شرک و وظیفه مؤمنان (اصحاب كهف) در جامعه است.
۱۱	خواب طولانی اصحاب كهف	۳. گاهی حفظ ایمان بر کناره‌گیری و هجرت از جامعه مشرک متوقف است.
۱۲	بیدار شدن اصحاب كهف	۴. مؤمنان نباید از غافلان یاد خدا تبعیت کنند.
۱۳	ایمان و هدایت یافتگی اصحاب كهف	۵. نتیجه کفر و ستمگری، عذاب اخروی است.
۱۴	قیام اصحاب كهف علیه جامعه مشرک خود	۶. نتیجه ایمان و عمل صالح بهشت ابدی است.
۱۵	مقابله فرهنگی اصحاب كهف علیه شرک	
۱۶	رها کردن قوم مشرک و پناه بردن به غار	
۱۷	شگفت‌انگیز و نشانه الهی بودن کیفیت و کمیت خواب اصحاب كهف	
۱۸	تقیه کردن اصحاب كهف در جامعه مشرکان برای حفظ ایمان	
۱۹	خوابیدن و بیدار شدن اصحاب كهف نشانه معاد و رستاخیز	
۲۰	بی‌فایده بودن بحث از تعداد اصحاب كهف و بی‌توجهی به اهداف داستان	
۲۱	لزوم یاد خداوند در انجام کارها	
۲۲	۳۰۹ سال خواب اصحاب كهف	
۲۳	عدم وجود شرک در حکمرانی خداوند	
۲۴	غیرقابل تغییر بودن قرآن	
۲۵	عدم تبعیت از غافلان از یاد خداوند و هواپرستان	
۲۶	عذاب جزای کفر و ستمگری (اشاره به معاد و قیامت)	
۲۷	بهشت جزای ایمان و عمل صالح (اشاره به معاد و قیامت)	

جدول شماره ۳ مضامین سوره کهف (داستان مرد ثروتمند و فقیر)

ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده
داستان مرد ثروتمند و فقیر		
۲۸	داستان مرد ثروتمند و فقیر	۱. عذاب، نتیجه انکار قیامت، شرک و کفر است. ۲. اراده خداوند فوق همه اراده‌های دیگر است.
۲۹	باغ‌های پر محصول مرد ثروتمند	
۳۰	دل‌بستگی به دنیا	
۳۱	تصور بقاء دنیا	
۳۲	انکار قیامت	
۳۳	انکار قیامت به منزله انکار خدا است	
۳۴	تکیه بر غیر خدا به منزله شرک است	
۳۵	توجه به اراده الهی در امور	
۳۶	توجه به اراده الهی / شرک و کفر نابودکننده نعمت‌ها	
۳۷	شرک و کفر و عذاب الهی در دنیا	
۳۸	محوریت اراده و قدرت الهی در جهان	

جدول شماره ۴ مضامین سوره کهف (توصیف قیامت و معاد)

ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده
توصیف قیامت و معاد		
۳۹	ناپایداری زینت‌های دنیا	۱. زینت‌های ناپایدار دنیا وسیله امتحان بشر است. ۲. وقوع قیامت حتمی است. ۳. تأخیر عذاب دنیوی مشرکان و کفار از مهلت الهی است.
۴۰	حتمی بودن روز قیامت	
۴۱	حتمی بودن معاد و روز قیامت	
۴۲	مشاهده کارنامه دقیق اعمال انسان در قیامت	
۴۳	پرهیز از اطاعت شیطان	
۴۴	پرهیز از به‌کارگیری منحرفان	
۴۵	بی‌فایده بودن استمداد مشرکان از معبودهایشان در روز قیامت	
۴۶	عدم وجود راه فرار از عذاب روز قیامت برای مجرمان	
۴۷	مثال‌های قرآن برای هدایت انسان	

ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده
توصیف قیامت و معاد		
۴۸	ایمان نیاوردن تا رسیدن عذاب الهی	
۴۹	سرکشی کفار در مقابل بشارت و انذار پیامبران	
۵۰	اعراض کفار از آیات الهی	
۵۱	مهلت و عدم تعجیل در عذاب کفار ناشی از رحمت الهی	
۵۲	مهلت و تأخیر در عذاب ستمگران	

جدول شماره ۵ مضامین سوره کهف (داستان حضرت موسی و خضر)

ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده
داستان حضرت موسی و خضر		
۵۳	جواز سفر طولانی برای تحصیل علم	۱. صبر از لوازم یادگیری است.
۵۴	زنده شدن ماهی مرده	۲. مؤمنان صالح از حقوق مشروع یکدیگر در جامعه حمایت می‌کنند.
۵۵	ماهی غذای موسی و همراهش	۳. وظیفه مؤمنان صالح دفاع از حقوق مستضعفان در مقابل حاکم ظالم است
۵۶	فراموشی همراه موسی در گزارش کردن زنده شدن ماهی	۴. جلوگیری از گسترش کفر و شرک در جامعه وظیفه مؤمنان صالح است.
۵۷	بازگشت به محل زنده شدن ماهی	
۵۸	خضر عبد خدا و دارای علم لدنی	
۵۹	درخواست شاگردی موسی برای خضر	
۶۰	لزوم صبر در یادگیری	
۶۱	لزوم صبر	
۶۲	تلاش در صبور بودن و عدم نافرمانی در هنگام آموزش	
۶۳	لزوم تبعیت کامل از استاد در حین آموزش	
۶۴	سوراخ کردن کشتی توسط خضر و اعتراض موسی	
۶۵	یادآوری قول موسی در صبوری	
۶۶	عذرخواهی موسی از خضر به دلیل عدم صبوری	
۶۷	کشتن پسر بیچه توسط خضر و اعتراض موسی	
۶۸	یادآوری موضوع صبوری در حین آموزش	
۶۹	قرار موسی مبنی بر ترک مصاحبت با خضر در صورت عدم صبوری	

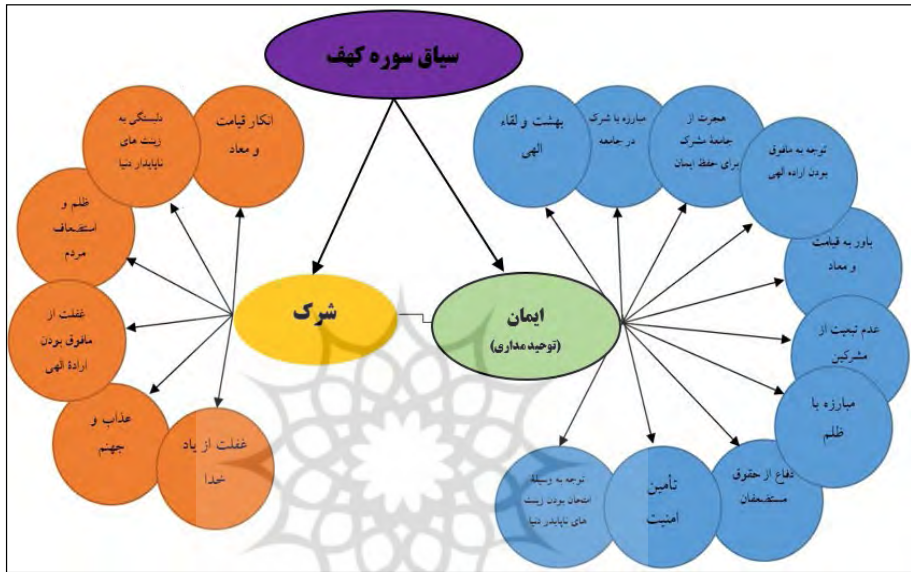
ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده
داستان حضرت موسی و خضر		
۷۰	بازسازی دیواری در روستا و درخواست دستمزد کردن موسی	
۷۱	جدایی خضر از موسی به دلیل استمرار عدم صبوری موسی	
۷۲	سوراخ کردن کشی در جهت حفظ حقوق فقرا در مقابل حاکم غاصب	
۷۳	کشتن نوجوان در جهت جلوگیری از طغیان و کفر والدین	
۷۴	جایگزینی فرزندی صالح	
۷۵	بازسازی دیوار و حفظ میراث یتیمان مرد صالح	

جدول شماره ۶ مضامین سوره کهف (داستان ذوالقرنین)

ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان دهنده
داستان ذوالقرنین		
۷۶	داستان ذوالقرنین	۱. حمایت از مستضعفان و مؤمنان در مقابل ظالمان، وظیفه حاکم الهی است.
۷۷	اعطای قدرت و حاکمیت به ذوالقرنین	۲. مجازات ظالمان، محرومیت زدایی، تأمین امنیت وظیفه حکومت الهی است.
۷۸	سفر حاکم به نقاط مختلف کشور	۳. جهنم نتیجه کفر است.
۷۹	سفر حاکم	
۸۰	عذاب دنیوی و اخروی شرک و ظلم // قاطعیت حکومت در مجازات ظالمان	
۸۱	پاداش و نرمش حکومت با مؤمنان صالح	
۸۲	سفر حاکم	
۸۳	محرومیت مردم شرق	
۸۴	سفر و سرکشی حاکم	
۸۵	مستضعفان فرهنگی	
۸۶	درخواست ایجاد امنیت از ذوالقرنین	
۸۷	همکاری مردم با حاکم در ایجاد امنیت	
۸۸	همکاری	
۹۹	امنیت پایدار نتیجه مشارکت مردم با حکومت	
۱۰۰	توجه به اراده الهی در امور و ناپایداری دنیا در قیامت	

شرک و ایمان (توحید) شکل گرفته است؛ بنابراین می‌توان گفت که نكوهش شرک از یک سو و تشویق به ایمان و عمل صالح از سوی دیگر و بیان ویژگی‌ها، آثار و پیامدهای دنیوی و اخروی آن‌ها دو غرض اصلی و محوری سوره کهف را تشکیل می‌دهد که در شکل زیر به خوبی بیان شده است:

شکل شماره ۱: سیاق سوره کهف



شاخص آیات ابتدایی و انتهایی سوره: بررسی آیات ابتدایی سوره کهف (آیات ۱ تا ۸) نشان می‌دهد که برخی از آن آیات اشاره به مسئله قیامت و معاد دارند؛ مانند آیه دوم: «لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا» (کهف: ۲) و آیه سوم: «ما کتین فی‌ها ابداء» (کهف: ۳) که در واقع انذار از عذاب و بشارت به بهشت ابدی فرع بر پذیرش قیامت و معاد است. همچنین آیه هشتم: «وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا» (کهف: ۸) نیز در واقع به صورت غیرمستقیم و تلویحاً اشاره به وضعیت زمین در قیامت نیز دارد که در تعلق انسان از دنیا قطع می‌شود و تنها اعمال انسان است که با او باقی می‌ماند. «از آنچه گذشت این معنا روشن گردید که جمله «وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا» از باب استعاره به کنایه است و مراد از آن، قطع رابطه تعلق بین انسان و متاع‌های زندگی زمینی است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۳: ۳۳۳). همچنین از آیه دوم فهمیده می‌شود ایمان و عمل صالح تلویحاً مورد تشویق قرار گرفته است و همچنین از ابتدای این آیه و نیز آیه چهارم: «وَيُنذِرَ

الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا» (کهف: ۴) و پنجم: «مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِإِبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنَّ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا» (کهف: ۵) فهمیده می‌شود که شرک به خداوند متعال به شدت نفی می‌شود؛ بنابراین، یادآوری حتمی بودن برپایی قیامت و معاد و نیز نفی شرک به خداوند و همچنین تشویق به ایمان و عمل صالح از جمله موضوعات و مضامین کلیدی آیات ابتدایی سوره کهف به شمار می‌روند.

بررسی آیات پایانی سوره کهف (آیات ۱۰۳ تا ۱۱۰) نیز نشان می‌دهند تعبیری همچون «أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ» (کهف: ۱۰۵)، «فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا» (همان) و نیز «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ» (کهف: ۱۱۰) دلالت بر قیامت و معاد دارد. همچنین آیاتی همچون «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا» (کهف: ۱۰۷) و «خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا» (کهف: ۱۰۸) و نیز تعبیر موجود در آخرین آیه این سوره نیز دلالت بر تشویق بر ایمان و عمل صالح دارد؛ و همچنین تعبیر متعدد موجود در آیه پایانی سوره کهف مانند «إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُ الْوَاحِدُ» (کهف: ۱۱۰) و «وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (همان) دلالت بر نفی شرک به خداوند متعال دارد.

در مجموع می‌توان گفت که مسئله حتمی بودن قیامت و معاد، تشویق به ایمان و عمل صالح، نکوهش شرک به خداوند محتوای اصلی آیات ابتدایی و پایانی سوره کهف را تشکیل می‌دهند.

شاخص مکی بودن سوره ۵: مکی یا مدنی بودن یکی از روش‌هایی است که در تفسیر ساختاری جهت کشف غرض اصلی سوره استفاده می‌شود. از آنجاکه سوره کهف در مکه نازل شده است (طبرسی، ۱۳۵۹، ۱۵: ۳؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۳: ۳۲۵)، لذا اقتضای سوره‌های مکی پرداختن به مباحث اعتقادی همچون قیامت، معاد، توحید و شرک است.

شاخص نام سوره ۵: توجه به نام سوره نیز یکی دیگر از روش‌ها در تفسیر ساختاری برای کشف غرض اصلی سوره به شمار می‌آید. «کهف»، «اصحاب کهف» و «حائله» سه نامی است که در مجموع برای این سوره نقل شده است (فیروزآبادی، ۱۹۹۶ م، ۱: ۲۹۷؛ سیوطی، ۱۴۱۶ ق، ۱: ۱۵۳)؛ که نام اول، مشهورترین نام این سوره است. این نام و نیز نام دوم برگرفته از داستان اصحاب کهف است که در این سوره به تفصیل بیان شده است. در این داستان به عده‌ای از مؤمنان اشاره شده است که علیه جامعه مشرک خود قیام کردند و آن‌ها را دعوت به توحید نمودند و پس از مشاهده مقاومت و پافشاری جامعه در شرک و تهدید جانی‌شان، به غار هجرت کردند و خداوند آن‌ها به خوابی طولانی فرو برد و

سپس آن‌ها را پس از ۳۰۹ سال بیدار کرد که این خواب‌و بیداری شگفت‌انگیز را دلیلی بر تحقق قیامت و معاد معرفی نمود. لذا داستان اصحاب کهف نیز دلالت بر مباحث ایمان و عمل صالح، نفی شرک و حتمی بودن وقوع قیامت و معاد دارد؛ بنابراین نام کهف و اصحاب کهف به‌خوبی بیانگر غرض سوره کهف است، اما نام «حائله» نیز با توجه به معنای آن یعنی مانع‌شدن این سوره میان آتش جهنم و قاریان و عاملان به آن (سیوطی، ۱۴۱۶ ق، ۱: ۱۵۳)، به‌صورت غیرمستقیم بر همان غرض اصلی سوره دلالت دارد.

بررسی شاخص‌ها و کشف غرض اصلی: در مجموع بررسی سیاق سوره کهف با استفاده از کاربست روش تحلیل مضمون و همچنین بررسی آیات ابتدایی و انتهایی این سوره و نیز در نظر گرفتن نام سوره و مکی بودن سوره کهف نشان می‌دهد که در وهله اول سه مسئله توحید، شرک و قیامت و معاد، اغراض اصلی سوره کهف را تشکیل می‌دهند دیگر آیات این سوره در واقع به فروع آن سه موضوع اشاره دارند؛ اما از آنجاکه مسئله باور و انکار قیامت و معاد از جمله مؤلفه‌های مشرک بودن و مؤمن بودن در سوره کهف است لذا می‌توان گفت که در واقع، دو موضوع نکوهش شرک و تشویق به ایمان و عمل صالح (توحید) دو غرض اصلی سوره کهف می‌باشند. به عبارت دیگر در این سوره، ویژگی‌های اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دو گروه مؤمن صالح قیامت باور و مشرک منکر قیامت و معاد در دنیا و نیز وضعیت آنان در آخرت به تفصیل بیان شده است. لذا در مجموع می‌توان گفت که همه آیات این سوره حول محور دو موضوع اصلی توحید و شرک انسجام یافته‌اند.

۵. دلالت‌های سیاسی اجتماعی سوره کهف با توجه به دو غرض اصلی (توحید و شرک)

دلالت‌های سیاسی سوره کهف را در مجموع می‌توان به دودسته حاکمیت توحید و حاکمیت شرک تقسیم کرد. در دسته اول در واقع به وظایف سیاسی اجتماعی مؤمنین صالح قیامت باور در وضعیت حاکمیت نظام طاغوتی (حاکم بودن مشرکان منکر قیامت) اشاره شده است؛ و اما دسته دوم نیز به وظایف سیاسی اجتماعی حاکم الهی (مؤمنین صالح قیامت باور) اشاره دارد.

الف) وظایف سیاسی اجتماعی مؤمنین در حاکمیت شرک در جامعه (وضعیت حاکمیت مشرکان منکر قیامت)

عدم تبعیت از سبک زندگی مشرکان: یکی از وظایف سیاسی اجتماعی مؤمنان در جامعه مشرکانه تبعیت نکردن از خواسته‌های مشرکان و به‌طورکلی عدم تبعیت از سبک زندگی مشرکانه و دشمنان خدا است. خداوند متعال در آیه ۲۸ سوره

کهف به نکته اشاره کرده است: «وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا» خداوند متعال در آیات دیگر از این عدم تبعیت، با عنوان جهاد کبیر نیز یاد کرده است. «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان: ۵۲).

تبیین و قیام علیه رژیم طاغوتی: تحلیل آیات مربوط به داستان اصحاب کهف نشان می‌دهد اصحاب کهف مؤمنانی بودند که علیه جامعه مشرک و نظام طاغوتی خود قیام کردند و جامعه خود را به پذیرش ولایت الهی و نفی شرک دعوت کردند؛ بنابراین تبیین و روشنگری نسبت به عدم حقانیت طاغوت و در مقابل، حقانیت ولایت الهی یکی از مهم‌ترین اقدامات سیاسی اجتماعی اصحاب کهف در مواجهه با وضعیت شرک‌آلود جامعه خود محسوب می‌شود: «وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَن نَدْعُوهُ مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا؛ هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَّوَلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا» (کهف: ۱۴-۱۵)

در قسمت دیگری از سوره کهف نیز کسانی که به جای روشنگری و مبارزه با شرک، ولایت غیر خدا را می‌پذیرند، به شدت مورد سرزنش قرار گرفته‌اند. در آیات انتهایی داستان ذوالقرنین نیز عذاب جهنم برای کسانی که ولایت طاغوت را پذیرفته‌اند قرار داده شده است. «أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا» (کهف: ۱۰۲).

استراتژی هجرت و آزادی فرهنگی: هجرت و کناره‌گیری از جامعه و نظام طاغوتی مشرکانه یکی دیگر از اقدامات سیاسی اجتماعی مؤمنان صالح قیامت باور در سوره کهف به شمار می‌رود؛ به عبارت دیگر، وقتی اصحاب کهف با تهدید و سلطه اعتقادی و اجتماعی نظام طاغوتی مواجه شدند، از استراتژی هجرت از جامعه طاغوتی و مشرکانه استفاده کردند. در واقع کاربست استراتژی هجرت زمانی است که نه تنها هدایت سیاسی جامعه طاغوتی بی‌ثمر می‌گردد. بلکه به دلیل استبداد فرهنگی رژیم طاغوتی، مؤمنان نمی‌توانند بر اساس سبک زندگی دینی خود کنش سیاسی اجتماعی داشته باشند، لذا مؤمنان صالح قیامت باور برای حفظ ایمان خود و رسیدن به آزادی فرهنگی در انجام مناسک دینی خود، به سرزمینی که در آن بتوانند همراه با امنیت، تحت ولایت الهی زندگی کنند مهاجرت می‌کنند: «إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا» (کهف: ۱۰) «وَإِذِ اعْتَرَّتْكُمْ مَوْتُهُمْ وَمَا يَعْْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا» (کهف: ۱۶).

حمایت سیاسی اجتماعی از مستضعفان: یکی دیگر از وظایف مؤمنان

صالح در جامعه تحت حاکمیت طاغوت، مبارزه منفی با حکومت به‌ویژه در جهت حمایت از حقوق مستضعفان جامعه است. اقدامات حضرت خضر (ع) در جریان تعلیم به حضرت موسی (ع) مانند سوراخ کردن کشتی، بازسازی دیوار و حتی کشتن پسر بچه را می‌توان در این راستا تفسیر کرد.

«أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا* وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا* فَأَرَدْنَا أَنْ يُبْدِلَهُمَا رَبُّمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا* وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ...» (کهف: ۷۹-۸۲).

ب) وظایف سیاسی اجتماعی در حاکمیت توحید در جامعه (وضعیت حاکمیت حکومت دینی)

در سوره کهف به سه وظیفه مهم از وظایف حکومت الهی یعنی مبارزه با ظلم و برقراری عدالت و رفع تهدید و برقراری امنیت، کارآمدی و نیز وظیفه مردم در حکومت دینی یعنی مشارکت سیاسی اجتماعی در اداره کشور اشاره شده است. **مبارزه با ظلم و برقراری عدالت:** یکی از مهم‌ترین وظایفی که حاکم الهی بر عهده دارد مبارزه با ظلم و برقراری عدالت است. در سوره کهف در داستان ذوالقرنین خداوند متعال چنین وظیفه‌ای را بر عهده حکومت وی قرار داده است. «قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكَرًا وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا» (کهف: ۸۷-۸۸)

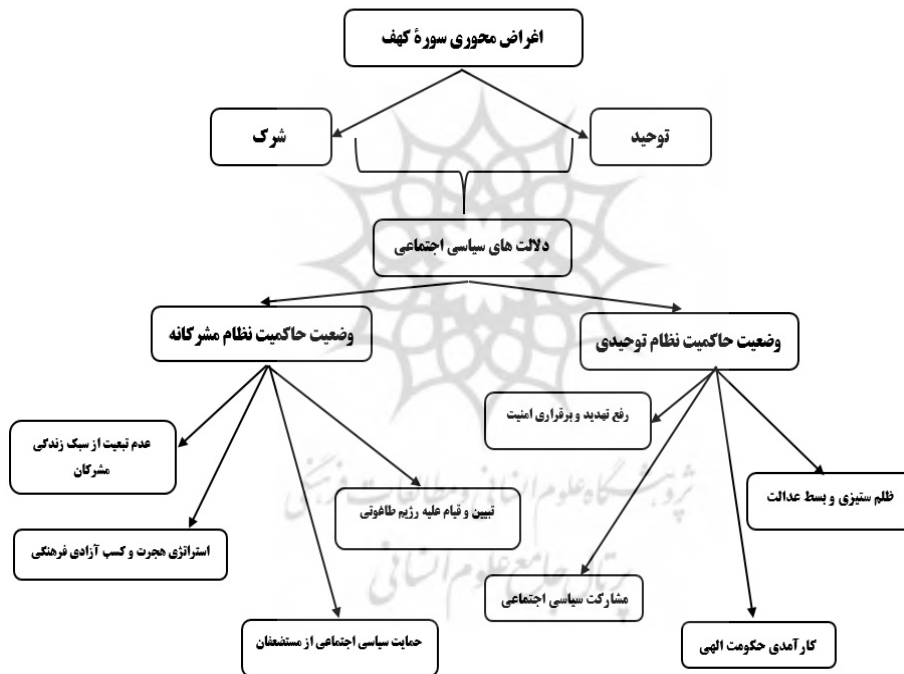
رفع تهدید و برقراری امنیت: یکی دیگر از وظایف حکومت الهی برقراری امنیت در جامعه و تهدید زدایی از مردم خود است. در سوره کهف ذوالقرنین، پس از مشاهده فساد یا جوج و مأجوج و تقاضای کمک مردم برای دفع تهدیدات آن دو، تصمیم به ساخت سدی آهنین برای جلوگیری از حملات یا جوج و مأجوج گرفت؛ و امنیتی پایدار را برای مردم آن سرزمین به ارمغان آورد: «قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا* قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا* أَنُوْنِي رَبِّي الْحَدِيدَ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ أَنُوْنِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا* فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا» (کهف: ۹۴-۹۷).

مشارکت سیاسی اجتماعی مردم: یکی از ویژگی‌های جامعه تحت حاکمیت حکومت الهی، مشارکت مردم در امور سیاسی اجتماعی است. در حکومت الهی، استبداد جایگاهی ندارد و مردم نقشی فعال در اداره کشور و حل مسائل و مشکلات جامعه خود دارند: «قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا*»

أَتُونِي زُبْرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ أَتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا* فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا» (کهف: ۹۵-۹۶).

کارآمدی حکومت الهی: کارآمدی از جمله مهم‌ترین شاخصه‌های یک حکومت مطلوب به شمار می‌آید. در این راستا حکومت الهی به پشتوانه مشارکت و حمایت مردمی، از کارآمدی برخوردار می‌شود. در سوره کهف به بحث کارآمدی حکومت الهی اشاره شده است. حکومت ذوالقرنین توانست با همکاری مردم با ایجاد سدّ محکمی مانع فساد و غارتگری یا جوج و مأجوج شود: «فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا» (کهف: ۹۷).

نمودار شماره ۱: دلالت‌های سیاسی اجتماعی سوره کهف



۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله باهدف بررسی دلالت‌های سیاسی اجتماعی سوره کهف مبتنی بر اغراض محوری آن، با کاربست روش تفسیر ساختاری نتایج زیر به دست آمد: بررسی سیاق آیات سوره کهف با استفاده از کاربست ابزار تحلیل مضمون، بررسی آیات اولیه و انتهایی این سوره، مکی بودن و نام‌گذاری این سوره، نشان داد که تشویق به ایمان و عمل صالح، نكوهش شرک دو موضوع محوری

سوره کهف می‌باشند و آیات دیگر این سوره بر روی آن دو انسجام یافته‌اند به عبارت دیگر، آیات سوره کهف بر محور تبیین ویژگی‌های دو گروه مؤمنان صالح قیامت باور و مشرکان منکر قیامت در دنیا و آخرت و نحوه ارتباط آن دو گروه شکل گرفته است.

مبتنی بر محوریت موضوع شرک، سوره کهف از راهبردهای سیاسی اجتماعی مؤمنان در مواجهه با حاکمیت مشرکان در جامعه حکایت می‌کند و به وظایف سلبی و ایجابی مؤمنان در چنین جامعه‌ای اشاره دارد. به لحاظ سلبی، مؤمنان صالح قیامت باور وظیفه‌دارند در وهله اول با عدم تبعیت از سبک زندگی مشرکان، ایمان خود را حفظ نمایند و در این راستا برای اینکه بتوانند آزادانه بر اساس فرهنگ توحیدی، به انجام مناسک دینی خود بپردازند در صورت لزوم نیز می‌بایست از جامعه مشرکانه هجرت کنند؛ و اما به لحاظ ایجابی، مؤمنان صالح قیامت باور موظف‌اند با تبیین و روشنگری جامعه مشرک را به ولایت الهی دعوت کنند و با توجه به شرایط، به مبارزه با حکومت طاغوتی مشرک بپردازند و از حقوق مستضعفان جامعه نیز حمایت نمایند.

مبتنی بر محوریت موضوع ایمان نیز، سوره کهف به وظایف و راهبردهای سیاسی اجتماعی مؤمنان صالح قیامت باور در وضعیت حاکمیت توحید در جامعه اشاره می‌کند و در این راستا نیز به وظایف سلبی و ایجابی مؤمنان در چنین جامعه‌ای می‌پردازد. مبارزه با ظلم و دفع تهدید از جمله مهم‌ترین وظایف سلبی مؤمنان در وضعیت حاکمیت توحید در جامعه به شمار می‌آید. برقراری عدالت، تأمین امنیت و مشارکت دادن مردم در اداره کشور و حل مسائل جامعه و در نتیجه، کارآمدی حکومت الهی، از جمله مهم‌ترین وظایف ایجابی مؤمنان صالح قیامت باور در وضعیت حاکمیت نظام الهی در جامعه محسوب می‌شود.

منابع و مأخذ

- ۱- انوری، حسن و همکاران، (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن.
- ۲- خامه گر، محمد، (۱۳۸۱)، «درآمدی بر تفسیر ساختاری قرآن»، پژوهش های قرآنی، شماره ۲۹ و ۳۰، بهار و تابستان، ۲۰۶ - ۲۷۱.
- ۳- رشید رضا، محمد، (۱۹۹۰ م)، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- ۴- سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۶ ق). الإیتقان فی علوم القرآن، لبنان، دار الفکر.
- ۵- شحاته، عبدالله محمود، (۱۳۷۷)، درآمدی به تحقیق در اهداف و مقاصد سوره های قرآن کریم، ترجمه سیدمحمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۶- شیخزاده و دیگران، (۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، شماره پیاپی ۱۰، ص ۱۵۱-۱۹۸.
- ۷- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، میزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۸- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۵۹)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه احمد بهشتی، تهران، فراهانی.
- ۹- عمید، حسن، (۱۳۷۱)، فرهنگ عمید، تهران، سخن.
- ۱۰- فیروزآبادی، مجدالدین أبو طاهر محمد بن یعقوب (۱۹۹۶ م). بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز، القاهرة، المجلس الأعلى للثئون الإسلامیة / لجنة إحياء التراث الإسلامیة.
- ۱۱- قطب، سید، (۱۳۸۶)، فی ظلال القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۲- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق). تفسیر القمی، قم، دارالکتب.
- ۱۳- معین، محمد، (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر.
- ۱۴- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- 15- Attride-Stirling, J. (2001), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", Qualitative Research, Vol. 1, No. 3, Pp. 385-405.
- 16- Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.

REFERENCES

* The Holy Quran

1. Anvari, Hasan et al., (1381), Farhang-e Bozorg-e Sokhan, Tehran, Sokhan Publications.
2. Attride-Stirling, J. (2001), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, Vol. 1, No. 3, pp. 385-405.
3. Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2, pp. 77-101.
4. Firouzabadi, Majduddin Abu Tahir Muhammad bin Yaqoub (1996 AD). *Basa'ir zawi al-Tamyiz fi Lataif al-Kitab al-Aziz*, Cairo, Al-Majlis al-Ala for Islamic Affairs / Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
5. Khomeini, Mohammad, (1381), "Introduction to the Structural Interpretation of the Qur'an", *Qur'anic researches*, No. 29 & 30, Spring and Summer, pp. 206-271.
6. Makarim Shirazi, Nasir et al., (1374). *Tafsir Nomooneh*, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiya.
7. Moin, Mohammad, (1360), *Persian Dictionary*, Tehran, Amirkabir.
8. Omid, Hasan, (1371), *Farhang Omid*, Tehran, Sokhan.
9. Qommi, Ali bin Ibrahim (1404 AH). *Tafsir al-Qommi*, Qom, Dar al-Kutub al-Islamiyah.
10. Qutb, Seyid, (1386), *Fi Dhilal al-Qur'an*, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
11. Rashid Ridha, Muhammad, (1990 AD), *Tafsir al-Qur'an al-Hakim (Tafsir al-Manar)*, Cairo, Al-Misriyah General Book Council.
12. Shahhatah, Abdullah Mahmoud, (1377), *An Introduction to the Research on the Aims and Purposes of the Qur'anic Surahs*, translated by Seyed Mohammad Baqir Hojjati, Tehran, Islamic Culture Publishing House.
13. Sheikhzadeh, Mohammad, et al., (1390), "Thematic Analysis and Network of Themes: a Simple and Efficient Method for Explaining Patterns in Qualitative Data", *Strategic Management Thought*, Year. 5, No. 2, Fall and Winter 1390, pp. 151-198.
14. Suyouti, Jalaluddin (1416 AH). *Al-Itqan fi Uloum al-Qur'an*, Lebanon, Dar al-Fikr.
15. Tabarsi, Fazl bin Hasan (1359), *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, translated by Ahmad Beheshti, Tehran, Farahani.
16. Tabatabaei, Mohammad Hossein, (1374), *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, translated by Seyed Mohammad Baqir Mousavi Hamedani, Qom, Islamic Publications Office.